



An Examination of the Methodology of Thematic Analysis and Thematic Networks as a Qualitative Research Approach

Zohre Kazemizadeh / Master of Curriculum Planning, Islamic Azad University, Qom Branch.
zkazemi664@gmail.com

Zahra Kazemizadeh / Ph.D. Student of the Philosophy of Islamic Education, Allameh Tabataba'i University, Tehran.
kazemi2035@gmail.com

 **Seyfollah Fazlollahi Ghomshei** / Associate Professor, Ph.D. in Educational Sciences, Faculty of Humanities, Tolu'e Mehr University, Qom, Iran.
fazlollahigh@tolouemehr.ac.ir

Received: 2025/02/03 - **Accepted:** 2025/07/21

Abstract

One of the widely used analytical techniques suitable in qualitative research is the "thematic analysis". This method can be utilized to identify patterns within qualitative data. The aim of this article is to examine this method and thematic networks in qualitative research. This study was conducted using a descriptive-analytical method, with data collected through documentary research. The primary data collection tools included note-taking and excerpting from texts. The research findings indicate that "thematic analysis" is one of the common methods of content analysis and a technique for analyzing qualitative data obtained from interviews, focus group discussions, qualitative questionnaires, and printed documents. This research employed thematic analysis in both inductive and deductive forms. The process of thematic analysis and thematic network analysis involves the following stages: studying and describing the text; elaborating and interpreting the text; integrating and synthesizing the text; summarizing the thematic network and presenting it as an elaborated text, matrix, table, and thematic network. In the thematic analysis method, the researcher carefully organizes the dataset and identifies common themes, topics, ideas, and semantic patterns. Like other research methods, this approach has positive and negative features that must be considered in its application.

Keywords: qualitative analysis, theme, thematic analysis, thematic networks.

واکاوی روش‌شناسی تحلیل مضمون و شبکه مضامین به مثابه یک پژوهش کیفی

زهره کاظمی‌زاده / کارشناس ارشد گروه برنامه‌ریزی درسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. zkazemi664@gmail.com
زهره کاظمی‌زاده / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی تهران. kazemi2035@gmail.com
سیدفاله فضل‌الهی قمشی  / دانشیار و دکترای تخصصی گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه طلوع مهر، قم، ایران. fazlollahigh@tolouemehr.ac.ir
دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

چکیده

یکی از فنون تحلیلی مناسب در تحقیقات کیفی، روش «تحلیل مضمون» است که به صورت گسترده از آن استفاده می‌شود. از این روش می‌توان برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی بهره برد. هدف این مقاله بررسی روش مزبور و شبکه مضامین در پژوهش‌های کیفی است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده، اطلاعات آن به روش اسنادی گردآمده و ابزار جمع‌آوری داده‌ها عمدتاً به صورت فیش برداری و یادداشت‌برداری از متون بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که «تحلیل مضمون» یکی از شیوه‌های متداول تحلیل محتوا و روشی برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه، بحث گروهی، پرسشنامه‌های کیفی و اسناد چاپی به حساب می‌آید. این پژوهش با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، به دو صورت استقرایی و قیاسی انجام شده است. فرایند تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین شامل مراحل ذیل است: تجزیه و توصیف متن؛ تشریح و تفسیر متن؛ ادغام و یکپارچه‌سازی متن؛ تلخیص شبکه مضامین و ارائه آن به صورت متن مشروح، ماتریس، جدول و شبکه مضامین. در روش تحلیل مضمون، پژوهشگر مجموعه داده‌ها را با دقت سازمان‌دهی و مضامین مشترک، موضوعات، انگاره‌ها و الگوهای معنایی را شناسایی می‌کند. این روش مانند سایر روش‌های پژوهش، دارای ویژگی‌های مثبت و منفی است که باید در کاربرد آن مد نظر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل کیفی، مضمون، تحلیل مضمون، شبکه مضامین.

روش‌های پژوهش کیفی در دهه‌های گذشته، در سراسر علوم اجتماعی از محبوبیت فزاینده‌ای برخوردار شده‌اند. گسترش این روش تحقیق، منجر به درک عمیق‌تری از پدیده‌های اجتماعی شده است.

پژوهش کیفی یافته‌هایی را ارائه می‌کند که با شیوه‌های آماری یا کمی حاصل نشده‌اند. این نوع پژوهش به مسائل، رفتارها و یافته‌ها، نگرشی وسیع، عمیق، بامعنا و غیرابزاری دارد. در مقابل، پژوهش کمی بر تعیین کمیت و شمارش پدیده‌ها در شرایط مختلف تمرکز دارد.

در تحقیقات کیفی، اسناد، مدارک، نوشته‌ها و آثار داده‌هایی هستند که محقق می‌تواند از جمع‌آوری، طبقه‌بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل آنها مجهول را کشف نموده و فرضیه ارائه‌شده را ارزیابی کند. بنابراین، در تحقیقات کیفی محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمایل، تشبیه، نشانه‌یابی، تفسیر، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و... که به کمک تفکر، تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری‌شده را ارزیابی، تجزیه و تحلیل نموده و نتیجه‌گیری کند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۶۹).

پیش‌فرض‌های مهم در روش‌شناسی کیفی عبارتند از:

- جهان اجتماعی همواره یک خلقت انسانی است، نه یک کشف بشری؛
- خلق واقعیت محصول کنش متقابل است و به‌جای استفاده از فنون نمونه‌گیری تصادفی، از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود؛

- زبان تحقیق کیفی به‌جای متغیر، با «سازه» که مفهومی بامعناست، ارتباط دارد؛

- مطالعه واقعیت از درون به‌جای بیرون، اصالت ذهنیت به جای عینیت و اصالت دیدگاه افراد مورد مطالعه، به‌جای دیدگاه محقق یکی از ملاک‌های اساسی در تحقیقات کیفی است (ایمان، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴).

در مقابل، رویکردهای کمی تحقیق بر پایه الگوواره (پارادایم) «اثبات‌گرایی» قرار دارند. این الگوواره مدعی استفاده از روش‌های علوم طبیعی در علوم انسانی است. در پژوهش‌های کمی، مفاهیمی مانند متغیر، پایش، اندازه‌گیری، آزمایش، علت و معلول به‌طور مداوم تکرار می‌شوند و در طراحی تحقیقات تجربی نقش کلیدی دارند.

اگرچه به نحوه اجرای روش‌های کیفی توجه زیادی شده، اما از نحوه تحلیل داده‌های متنی در مرحله پایانی پژوهش کمتر بحث شده است. برای کسب نتایج معتبر در پژوهش‌های کیفی، لازم است ابزارهای تحلیلی، ثبت نظام‌مند و روش‌های تحلیل به‌درستی به‌کار گرفته شوند.

یکی از شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی که اهمیت زیادی دارد، «تحلیل مضمون» است. «تحلیل مضمون» ضمن اینکه یک روش مستقل تحلیلی محسوب می‌شود، می‌تواند در سایر روش‌های تحلیل کیفی (مانند تحلیل روایتی، تحلیل نشانه‌شناختی و نظریه زمینه‌ای) نیز مورد استفاده قرار گیرد. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده و ظریف هستند. به همین دلیل، «تحلیل مضمون» به‌مثابه یک روش اساسی برای تحلیل کیفی شناخته می‌شود.

اولین بار در سال ۱۹۶۷م، دیوید کلارنس مک کلند (David Clarence McClelland) به منظور آزمون درک مضمون، فنون مشابه تحلیل مضمون را به کار برد. بنابراین، از او می‌توان به عنوان پایه‌گذار اصلی این روش نام برد.

چارلز اسمیت (Charles Smith) نیز در سال ۱۹۹۲ در کتابی با عنوان *انگیزش و شخصیت: مرجع تحلیل محتوای مضمونی*، روش‌های درک مضمون را معرفی کرده و معتقد است: انگیزه و شخصیت، نظام‌هایی را برای تجزیه و تحلیل محتوا و سبک‌های کلامی برای استفاده در علوم رفتاری و اجتماعی ارائه می‌کنند. معیارهای به‌دست‌آمده ممکن است برای توصیف افراد، گروه‌ها یا دوره‌های تاریخی مورد استفاده قرار گیرند. رمزگذاری مطالب و اطلاعات برای محققان حوزه‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی و سایر زمینه‌های کاربردی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (Smith, 1992, p2).

ریچارد بویاتزیس (Richard Boyatzis) یکی دیگر از پژوهشگرانی است که پژوهش‌های متعددی با استفاده از روش «تحلیل مضمون» انجام داده است. وی نظرات خود درخصوص این روش تحلیل را در کتابی با عنوان *تبدیل اطلاعات کیفی؛ تحلیل مضمون و تدوین کد (Transforming qualitative information: thematic analysis and code development)* که در سال ۱۹۹۸م نوشته، ذکر کرده و در خصوص کاربرد روش‌های مضمونی در بررسی شخصیت و انگیزش نیز مطالعاتی انجام داده است.

او معتقد است: «تحلیل مضمون» فرایندی برای رمزگذاری اطلاعات کیفی است و می‌تواند به مثابه پلی میان زبان تحقیق کیفی و زبان تحقیق کمی در نظر گرفته شود (Boyatzis, 1998, p6).

پژوهشگرانی مانند براون و کلارک (Braun & Clarke) و آتراید استرلینگ (Attride-Stirling) نیز نقش مهمی در توسعه و گسترش این روش داشته‌اند.

این پژوهش کوشیده است تا چپستی روش «تحلیل مضمون»، مراحل اجرای آن در تحلیل داده‌های کیفی، معیارهای ارزیابی نتایج تحلیل و مزایا و معایب این روش را بررسی کند.

۱. روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ رویکرد؛ کیفی و از جهت هدف، بنیادی - کاربردی محسوب می‌شود. بنیادی است؛ زیرا به تحلیل و تبیین روش «تحلیل مضمون» در پژوهش‌های کیفی می‌پردازد. همچنین کاربردی است؛ زیرا تلاش دارد با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، مراحل اجرای روش «تحلیل مضمون» را بررسی کند.

روش این پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است. در این نوع تحقیقات، محقق علاوه بر توصیف داده‌ها، به تبیین چرایی و چگونگی وضعیت مسئله می‌پردازد.

روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها غالباً فیش‌برداری و یادداشت‌برداری از متون پژوهشی است.

۲. یافته‌های تحقیق

در بخش یافته‌های تحقیق، چپستی مضمون، انواع مضمون، روش پژوهش تحلیل مضمون، مبانی فلسفی آن، مراحل اجرای پژوهش، نمونه‌ای از کاربرد روش «تحلیل مضمون»، ابزارهای اجرای آن و مزایا و معایب این روش بررسی خواهد شد.

۳. مضمون

«مضمون» ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که نشان‌دهنده اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و درک خاصی از پرسش‌های پژوهشی است. مضمون، الگوهایی را در مجموعه‌ای از داده‌ها مشخص می‌کند و به توصیف، سازمان‌دهی مشاهدات و تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (Braun & Clarke, 2006, p75).

مضمون، مجموعه‌ای از معانی برجسته، واحدهای معنایی فشرده، رمزا یا مقوله‌هایی است که بر اساس سطوح تفسیری تعریف می‌شوند. مضمون‌ها در متن به‌صورت رشته‌ای از معانی و مضامین ظاهر شده، تکرار می‌شوند. یک مضمون می‌تواند نشان‌دهنده محتوای پنهان متن تلقی شود. چون تمام داده‌ها دارای معانی چندگانه هستند، مضمون‌ها لزوماً جامع و مانع نخواهند بود و امکان تقسیم آنها به خرده‌مضمون یا مضمون‌های فرعی وجود دارد.

۴. انواع مضمون

با توجه به تنوع دیدگاه‌ها، طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضمون‌ها ارائه شده است. برخی پژوهشگران انواع مضمون را براساس جایگاه آن در شبکه‌مضامین، زمان شناخت آن، سلسله‌مراتب آن، قابلیت مشاهده در متن، منشأ شناسایی، تثبیت موقعیت، ماهیت و نقش آن در تحلیل دسته‌بندی کرده‌اند. آتراید استرلینگ در سال ۲۰۰۱، انواع مضمون را بر اساس «جایگاه مضمون در شبکه‌مضامین»؛ رایان و برنارد (Ryan & Bernard) در سال ۲۰۰۰، انواع مضمون را بر اساس «زمان شناخت مضمون»؛ رایان و برنارد در سال ۲۰۰۳ و کینگ (King) در سال ۲۰۰۴، انواع مضمون را بر اساس «سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین»؛ براون و کلارک در سال ۲۰۰۶، انواع مضمون را بر اساس «قابلیت مشاهده مضمون در متن» و «منشأ شناسایی مضمون»؛ ریچاردز (Richards) در سال ۲۰۰۸، انواع مضمون را بر اساس «تثبیت موقعیت مضمون»؛ کینگ و هاروکس (King & Horrocks) در سال ۲۰۱۰، انواع مضمون را بر اساس «ماهیت مضمون در متن» و «نقش مضمون در تحلیل» طبقه‌بندی نموده‌اند.

در ادامه، انواع مضمون‌های شناسایی شده به‌صورت جدول ارائه خواهد شد:

جدول ۱: انواع مضمون

مبنای طبقه‌بندی مضمون	انواع مضمون
جایگاه مضمون در شبکه‌مضامین	مضمون پایه: رمزا و نکات کلیدی موجود در متن

مضمون سازمان‌دهنده: مضامین به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه مضمون فراگیر: مضامین عالی دربرگیرنده اصول حاکم بر متن به‌منابۀ یک کل (Stirling, 2001, p389).	
مضمون اولیه: در مراحل اولیه پژوهش شناخته می‌شود. مضمون نهایی: در گزارش نهایی پژوهش عرضه می‌شود (Rayan & Bernard, 2000, p780).	زمان شناخت مضمون
مضمون فرعی: در سطوح پایین‌تر سلسله‌مراتب مضامین قرار می‌گیرد. مضمون اصلی: در سطوح بالاتر سلسله‌مراتب مضامین قرار می‌گیرد (king, 2004, p258).	سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین
مضمون مکتون: غیرقابل مشاهده مستقیم در متن داده‌ها مضمون مشهود: قابل مشاهده مستقیم در متن داده‌ها (Braun & Clarke, 2006, p76).	قابلیت مشاهده مضمون در متن
مضمون نظریه‌محور: بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌ها شناخته می‌شود. مضمون داده‌محور: بر اساس داده‌های پژوهش شناخته می‌شود (Braun & Clarke, 2006, p76).	منشأ شناسایی مضمون
مضمون تثبیت‌شده: جایگاه و ارتباط آن با سایر مضامین‌ها مشخص است. مضمون تثبیت‌نشده: جایگاه و ارتباط آن با سایر مضامین‌ها مشخص نیست (Richards, 2008, p17).	تثبیت موقعیت مضمون
مضمون رابطه‌ای: نشان‌دهنده نوع رابطه در متن است. مضمون تفسیری: آنچه را در متن آمده است تعبیر و تفسیر می‌کند. مضمون توصیفی: آنچه را در متن آمده است، همان‌گونه توصیف می‌کند (King & Horrocks, 2010, p153).	ماهیت مضمون در متن
مضمون کلیدی: مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن است. مضمون یکپارچه‌کننده: مضامین کلیدی را حول یک محور گرد هم می‌آورد. مضمون کلان: بخش عمده‌ای از مضامین و رمزهای شناخته‌شده را در خود جای می‌دهد (King & Horrocks, 2010, p159).	نقش مضمون در تحلیل

۵. روش پژوهش تحلیل مضمون

«تحلیل مضمون» معادل فارسی اصطلاح انگلیسی «Thematic Analysis» است. واژه «Theme» در فارسی، به‌معنای «مضمون، زمینه، مایه، مطلب، درون‌مایه، موضوع، مبحث و لحن» تلقی می‌شود. معادل فارسی مضمون، «درون‌مایه» است.

«موضوع» آن چیزی است که نویسنده درباره‌اش بحث می‌کند و به آن «زمینه فراگیر» یا «مضمون» نیز گفته می‌شود که به دو دسته اصلی و فرعی قابل تفکیک است.

«مضمون» دیدگاه نویسنده درباره موضوعی است که در پی انتقال آن به مخاطب است و همان بن اندیشه و درون‌مایه اثر، پیام یا محتوا محسوب می‌شود.

از یک موضوع می‌توان مضمون‌های مختلفی استخراج کرد. از «تحلیل مضمون» با عناوین «تحلیل موضوعی» و «تحلیل تماتیک» نیز یاد می‌شود (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

«تحلیل مضمون» روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p4).

«تحلیل مضمون» صرفاً یک روش کیفی خاص نیست، بلکه فرایندی است که می‌تواند در بسیاری از روش‌های کیفی به کار رود.

به‌طور کلی، «تحلیل مضمون» روشی برای فهم متن، تفسیر اطلاعات به‌ظاهر نامرتبط، تحلیل داده‌های کیفی، مشاهده نظام‌مند فرد، تعاملات، گروه‌ها، موقعیت‌ها، سازمان‌ها یا فرهنگ‌ها و تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی است (Boyatzis, 1998, p4).

رویکردهای کیفی بسیار متنوع و پیچیده‌اند و «تحلیل مضمون» باید به‌مثابه یک روش اساسی در تحلیل کیفی در نظر گرفته شود.

«تحلیل مضمون» یکی از شیوه‌های رایج تحلیل محتوا و روشی برای تحلیل داده‌های کیفی است. «تحلیل مضمون» نخستین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید آن را فراگیرند؛ زیرا این روش موجب یادگیری مهارت‌های اصلی برای اجرای بسیاری از روش‌های دیگر تحلیل کیفی می‌شود.

چون تحلیل مضمون مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌آورد، برخی از پژوهشگران از آن به‌منزله ابزار یا فرایندی برای استفاده در سایر روش‌های پژوهش یاد می‌کنند.

«تحلیل مضمون» روشی برای شناخت، شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش می‌تواند مجموعه‌ای از داده‌ها را سازمان‌دهی کرده، جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند.

در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت: روش «تحلیل مضمون»:

– با تمرکز و خلاقیت پژوهشگر ارتباط دارد و نیاز به ترکیب و خلق اصطلاحات توسط پژوهشگر دارد.

– دسته‌بندی‌های متعدد و مختلف در قالب مضمون‌های بالقوه، بسیار ارزشمند است.

– هیچ راه مشخصی برای شروع مطالعه در آن وجود ندارد.

– تعامل پژوهشگر با مؤلفه‌ها و محورهای در حال شکل‌گیری، زنده و پویاست.

– می‌تواند از بیان مضمون‌ها فراتر رفته، جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند.

– در مراحل مختلف تحلیل، ذهنیت فلسفی پژوهشگر در شکل‌دهی به یک مفهوم کلی مؤثر است.

اصل بازنگری در مضمون‌ها و شکل‌دهی مفاهیم و مضامین اصلی و فرعی، بسیار بااهمیت است.

۶. مبانی فلسفی روش پژوهش تحلیل مضمون

براون و کلارک روش‌های تحلیل کیفی را به دو گروه طبقه‌بندی کرده‌اند:

گروه اول: شامل روش‌هایی است که اساساً مستقل از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی بوده و در طیف گسترده‌ای از روش‌های نظری و معرفت‌شناسی قابل استفاده‌اند.

گروه دوم: شامل روش‌هایی است که از جایگاه نظری یا معرفت‌شناسی خاصی نشئت می‌گیرند؛ همچون تحلیل محاوره و تحلیل پدیدارشناسی تفسیری که دامنه کاربرد آنها محدودتر است.

در مقابل، برخی روش‌ها (مانند نظریه داده‌بنیاد) از چارچوب نظری گسترده‌ای بهره می‌برند (Braun & Clarke, 2006, p17).

«تحلیل مضمون» در گروه دوم قرار می‌گیرد. از این‌رو ابزار پژوهشی منعطف و مفیدی برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده است. «تحلیل مضمون»، هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود. «تحلیل مضمون» به سبب استخراج متن و الگوسازی معنایی، اهداف الگوواره‌های تفسیری و تأویلی را برآورده می‌سازد. بر اساس معرفت‌شناسی تفسیرگرایی، معرفت برآمده از مفاهیم و معانی روزمره است. پژوهشگر علوم اجتماعی به‌منظور درک معناهایی که بر ساخته اجتماع هستند، وارد دنیای اجتماعی روزمره می‌شود و سپس این معانی را به زبان علم اجتماعی بازسازی می‌کند.

این معانی بازسازی‌شده در سطحی بازتوصیف برداشت‌های روزمره است و در سطحی دیگر، در قالب نظریه‌ها توسعه می‌یابند. در الگوواره تفسیری، با اصالت دادن به اختیار انسان، به جای جبر محیطی، همه ساخت‌وسازهای انسانی دارای معنا هستند (ایمان، ۱۳۹۶، ص ۸۸).

دستیابی به دنیای اجتماعی که توسط مردم و به‌صورت کاملاً عملی و کنش‌محور ساخته شده، از طریق درگیری عملی محقق در زندگی روزمره امکان‌پذیر است. در این شیوه، محقق یک ابزار انسانی در تحقیق محسوب می‌شود و می‌تواند به‌وسیله تعاملات انسانی، با دنیای اجتماعی مورد مطالعه درگیر شود تا به مجموعه معانی مشترک آنان دست یابد. این درگیری عمیق به درک و فهم معنایی می‌انجامد که مردم به زندگی و دنیای اجتماعی خود می‌دهند.

۷. مراحل انجام پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون

۷-۱. طراحی پژوهش تحلیل مضمون

۷-۱-۱. انتخاب موضوع پژوهش تحلیل مضمون و بیان مسئله

روش تحلیل مضمون زمانی مفید است که پژوهش در زمینه‌ای نامشخص انجام شود یا نظر افراد درباره موضوع

پژوهش مشخص نباشد. همچنین زمانی که ارائه تفصیلی و جزئی درباره یک مضمون خاص یا مجموعه‌ای از مضمون‌ها مد نظر باشد، از این روش استفاده می‌شود.

۷-۱-۲. بیان اهداف و سؤالات پژوهش

پژوهش‌های کیفی معمولاً مجموعه‌ای از پرسش‌ها را دربر می‌گیرند که روابط میان آنها باید مشخص شود. گاهی یک یا چند پرسش کلی وجود دارد که کل فرایند پژوهش را هدایت می‌کند.

۷-۱-۳. انتخاب طرح پژوهش تحلیل مضمون و توجیه آن

پژوهش با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، به دو صورت «استقرایی» و «قیاسی» انجام می‌شود.

در روش «استقرایی» مضامین شناخته‌شده با داده‌ها مرتبط هستند. در این روش، فرایند رمزگذاری داده‌ها برای انطباق آنها با چارچوب رمزگذاری از قبل تهیه شده یا قالب مضمون‌های ازپیش‌تعیین‌شده صورت نمی‌گیرد. بنابراین، فرایند رمزگذاری بر اساس اطلاعات موجود انجام می‌شود.

در روش «قیاسی» تحلیل مضمون بر اساس علاقه پژوهشگر به موضوع صورت می‌گیرد و محقق رمزها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند. محقق رمزها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌ها و شواهدی را که با این نظریه حمایت و تأیید می‌شوند، شناسایی و رمزگذاری می‌کند. رمزهای مرتبط با هر مضمون نیز از فرضیات و مؤلفه‌های نظریه مد نظر استخراج می‌شوند.

روش قیاسی با استفاده از نظریه‌ها و رویه‌های موجود، تجربه‌ها یا دانش متخصصان و تحقیقات پیشین آغاز می‌شود. مفهوم‌ها و متغیرها، مقوله‌ها، رمزها و روابط میان آنها و سازه‌های تحلیل، پیش از ورود به متن و تحلیل داده‌ها، بر اساس این پیشینه تعریف و تدوین می‌شوند. جنس استنتاج، قیاس است که اطلاعات و دانش موجود را برای فهم اشیا یا شکل دادن به آراء به کار می‌گیرد، از کلی به جزئی حرکت می‌کند و هدف آن آزمون و ارزیابی مجدد داده‌ها یا نظریه‌ها، کاربرد آنها در موقعیت‌های متفاوت و بالایش، گسترش یا غنای بیشتر نظریه‌هاست (محسنی و سلیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۱).

۷-۱-۴. تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامع و ویژگی‌های مورد مطالعه

در روش «تحلیل مضمون» تمرکز پژوهشگر در یک حوزه مطالعاتی خاص، اهمیت زیادی دارد. این نوع پژوهش با ژرفانگری همراه است.

۷-۱-۵. نمونه‌گیری از افراد، رفتارها یا وقایع

نمونه‌گیری در این روش با رویکرد موارد خاص انجام می‌شود. اگر اندازه نمونه نسبتاً کوچک باشد، تحلیل مضمون راهگشا خواهد بود. اما اگر اندازه نمونه گسترده باشد، پژوهشگر در لابه‌لای متون و محتواها، به سمت تحلیل‌های کلی گرایش پیدا کرده، از ژرف‌کاری دور می‌شود.

۷-۲. گردآوری داده‌ها

۷-۲-۱. تعیین نحوه مشارکت پژوهشگر در پژوهش

روش پژوهش «تحلیل مضمون» فرصتی برای ابراز خلاقیت پژوهشگر در جریان داده‌کاوی مهیا می‌سازد. پژوهشگر در این روش، نه تنها مسئول جمع‌آوری و تحلیل داده‌هاست، بلکه در شیوه اجرا و تفسیر یافته‌ها نیز نقش مؤثر و خلاقانه‌ای ایفا می‌کند.

در تحلیل مضمون، پژوهشگر نقش بسیار فعالی در فرایند پژوهش دارد. او می‌تواند مسیر پژوهش را بر اساس ویژگی‌های داده‌ها و اهداف تحقیق طراحی کند و بر غنای این روش بیفزاید.

۷-۲-۲. تعیین روش گردآوری اطلاعات

داده‌های مورد تحلیل در روش «تحلیل مضمون» عمدتاً داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای هستند که به صورت متن پیاده‌سازی می‌شوند.

انتخاب روش گردآوری داده‌ها به صورت مستقیم با ماهیت پژوهش، اهداف آن و نوع اطلاعات مورد نیاز مرتبط است. پژوهشگر باید مشخص کند که داده‌ها از طریق مصاحبه، مشاهده، بررسی اسناد، یا ترکیبی از این روش‌ها گردآوری خواهد شد. این تصمیم‌گیری تأثیر مستقیمی بر کیفیت تحلیل نهایی دارد.

۷-۲-۳. آماده‌سازی ابزار و گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری داده‌ها در روش «تحلیل مضمون»، بسته به نوع و گستردگی اطلاعات، متفاوت خواهد بود:

الف) مصاحبه: در این روش، مصاحبه‌های عمیق، نیمه‌ساختاریافته یا کاملاً ساختاریافته می‌توانند داده‌های مفیدی ارائه دهند.

ب) مشاهده: در برخی پژوهش‌ها، تحلیل رفتارها و تعاملات از طریق مشاهده مستقیم، داده‌های ارزشمندی فراهم می‌کند.

ج) اسناد مکتوب و آرشیوی: تحلیل نوشته‌ها، گزارش‌ها، و منابع مکتوب می‌تواند مکمل داده‌های اولیه باشد. داده‌های حاصل از هر روش، باید به صورت یادداشت‌های متنی ثبت شده، سپس فرایند تحلیل مضمون بر روی آنها انجام شود.

۷-۲-۴. بازنگری اسناد و رونویسی

در آغاز تحلیل مضمون، پژوهشگر ممکن است نیاز داشته باشد داده‌ها را مکتوب کند. در این مرحله، اسناد، مصاحبه‌ها و یادداشت‌ها با دقت بررسی شده، در سطح مناسبی از جزئیات رونویسی می‌شوند.

هدف از این مرحله، حفظ دقت اطلاعات و اطمینان از صحت رونوشت‌هاست تا داده‌ها برای مراحل بعدی تحلیل آماده شوند.

۷-۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷-۳-۱. آشنا شدن با داده‌ها

پژوهشگر باید با داده‌ها به‌گونه‌ای تعامل داشته باشد که درک عمیق و همه‌جانبه‌ای از محتوا حاصل شود. این فرایند شامل بازخوانی مکرر داده‌ها، خواندن فعالانه و جست‌وجوی معانی و الگوهاست.

پژوهشگر باید هنگام مطالعه داده‌ها، نکات ذیل را در نظر داشته باشد: تشخیص مفاهیم کلیدی؛ بررسی ارتباطات بین مفاهیم؛ و درک ساختار معنایی داده‌ها.

۷-۳-۲. ایجاد رمزهای اولیه و رمزگذاری

این مرحله زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر داده‌ها را مطالعه کرده و به فهرستی اولیه از انگاره‌های موجود در داده‌ها و نکات برجسته آنها دست یافته باشد.

در این گام، رمزگذاری اولیه داده‌ها صورت می‌گیرد و داده‌ها بر اساس مضمون‌ها سازماندهی می‌شوند. رمزهای اولیه، داده‌های متنی را به واحدهای فهمیدنی (مانند بند، عبارت، کلمه) و قابل استفاده تقسیم می‌کنند. این رمزها باید مشخص، تعریف‌شده و غیرتکراری باشند. همچنین رمزها باید محدود به قلمرو پژوهش باشند و به طور روشن بر موضوع تمرکز داشته باشند تا از رمزگذاری‌های غیرضروری در هر جمله از متن اصلی اجتناب شود (Attride & Stirling, 2001, p394).

۷-۳-۳. جست‌وجو و شناخت مضامین

این مرحله زمانی آغاز می‌شود که داده‌ها گردآوری و رمزگذاری اولیه شده باشند. در این گام، رمزهای مختلف در قالب مضامین مرتب شده و تمام داده‌های مرتبط با هر مضمون، گردآوری شده، تحلیل می‌شوند. پژوهشگر می‌تواند از نمودارها، جدول‌ها، نقشه‌های ذهنی یا یادداشت‌های کاغذی برای سازماندهی مضامین بهره‌برد.

۷-۳-۴. ترسیم شبکه مضامین

پس از شناسایی مضامین، پژوهشگر اقدام به پالایش و سازمان‌دهی مضامین می‌کند. اگر داده‌ها تنوع زیاد یا کمبود اطلاعات داشته باشند، ممکن است مضامین به‌صورت همپوشانی ظاهر شوند. در این شرایط، پژوهشگر باید مضامین تکراری را تلفیق کند، مضامین پیچیده را ساده‌سازی نماید و مضامین کلی را به زیرمضمون‌های دقیق‌تر تفکیک کند.

۷-۳-۵. تحلیل شبکه مضامین

این مرحله زمانی آغاز می‌شود که پژوهشگر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی دست یافته باشد. در این حالت، می‌توان مضمون‌های پیشنهادشده برای تحلیل داده‌ها را تعریف، تعدیل و داده‌ها را بر اساس آنها تحلیل کرد. در این گام،

شبکه مضمون‌های رسم‌شده، بررسی و تجزیه و تحلیل می‌شوند. این شبکه‌ها به پژوهشگر کمک می‌کنند تا به درک عمیق‌تری از معانی متون برسد و بتواند مضمون‌های به‌دست آمده را تشریح کند و الگوهای آنها را بشناسد. پس از ایجاد شبکه‌های مضمون‌ها، پژوهشگر باید مجدداً به متن اصلی مراجعه و آن را به کمک این شبکه‌ها تفسیر کند (Attride & Stirling, 2001, p394).

پژوهشگر در این مرحله، مضمون‌هایی را که برای تحلیل ارائه کرده، تعریف نموده، بازبینی می‌کند و داده‌های موجود در آنها را تحلیل می‌نماید. به‌وسیله تعریف و بازبینی مضمون‌ها، می‌توان درباره ماهیت آنچه یک مضمون درباره آن بحث می‌کند، اظهار نظر نمود. مهم این است که پژوهشگر در پایان این مرحله بتواند مضمون‌های شناخته‌شده را به‌روشنی تعریف کند. پژوهشگر در این مرحله باید به مضمون‌های خود، عنوان مشخصی بدهد و نام‌هایی را که در تحلیل نهایی خود می‌خواهد بیاورد، ذکر کند. هر مضمون باید دارای نام مختصر باشد تا به ذهن خواننده القا کند که آن مضمون درباره چیست.

۶-۳-۷. ادغام و یکپارچه‌سازی متن

در این مرحله، علاوه بر تلخیص شبکه مضامین، نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و مبانی نظری مرتبط می‌شوند. پژوهشگر باید اطمینان حاصل کند که تحلیل‌های انجام‌شده با اهداف پژوهش هماهنگ بوده، تصویری روشن از یافته‌ها ارائه می‌کنند.

۴-۷. ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی پژوهش

۱-۴-۷. نوشتن یافته‌ها و تجزیه و تحلیل نگارش

نگارش تحلیل از همان مرحله نخست آغاز می‌شود و تدوین گزارش نهایی زمانی صورت می‌گیرد که مجموعه‌ای کامل از مضمون‌های استخراج‌شده فراهم باشد. این مرحله شامل پردازش دقیق یافته‌ها، تنظیم ساختار منطقی گزارش، و ارائه نتایج به‌گونه‌ای است که خواننده بتواند درباره اعتبار و صلاحیت تحلیل پژوهشگر قضاوت کند.

هدف از نوشتن تحلیل مضمون، ارائه گزارشی جامع از مضمون‌های موجود در داده‌ها به شکلی منسجم، دقیق و روشمند است. مهم این است که تحلیل ساختاری منطقی و بی‌تکرار داشته باشد و بتواند در قالب مضمون‌ها، درک روشنی از اطلاعات فراهم کند. همچنین هر مضمون باید با شواهد کافی و داده‌های مناسب پشتیبانی شود تا استنتاج‌های ارائه‌شده اعتبار لازم را داشته باشند.

۲-۴-۷. نوشتن نتیجه‌گیری‌ها و مفاهیم

در این مرحله، تمام استنتاج‌های حاصل از شبکه‌های مضامین، همراه با نظریه‌های مرتبط، به‌صورت خلاصه ارائه می‌شوند تا مضامین، مفاهیم، الگوها و ساختارهای برجسته استخراج‌شده از متن تبیین گردند. هدف از این فرایند

بررسی مجدد سؤالات پژوهش و بازبینی علایق نظری نهفته در آنهاست. با انجام تحلیل عمیق بر اساس الگوهای به‌دست‌آمده از داده‌ها، تلاش می‌شود به پرسش‌های اصلی پژوهش پاسخ داده شود. این بررسی به پژوهشگر امکان می‌دهد تا روابط میان مضامین را به‌دقت مشخص کرده، یافته‌ها را در چارچوب نظری مستحکم‌تری ارائه دهد (Attride & Stirling, 2001, p401).

۳-۴-۷. تهیه پیش‌نویس، پرداخت متن و انتشار

در این مرحله، فرضیات تحلیل مضمون باید به‌روشنی توضیح داده شوند و روش به‌کار رفته در پژوهش با تحلیل گزارش‌شده سازگار باشد (Braun & Clark, 2006, p24).

۴-۴-۷. ارزیابی کیفیت پژوهش

معیارهای ارزیابی پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل مضمون، مشابه معیارهای پژوهش‌های کیفی است پارکر و رافی (Parker & Roffey)، چهار معیار اولیه برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های کیفی ارائه نموده‌اند:

۱. **تطبیق:** آیا مفاهیم از داده‌های بررسی‌شده استخراج شده‌اند؟

۲. **قابلیت فهم:** آیا مفاهیم به شکلی نظام‌مند تنظیم شده‌اند و پیوندهای معناداری میان آنها وجود دارد؟

۳. **قابلیت تعمیم:** آیا نظریه ایجاد شده شرایط مختلف را دربر می‌گیرد؟

۴. **پایش:** آیا پژوهش یافته‌های نظری بااهمیتی ارائه داده است؟ (Parker & Roffey, 1997, p234)

از معیارهای ارزیابی پژوهش‌های کیفی می‌توان برای ارزیابی روش تحلیل مضمون نیز استفاده کرد. چهار فرایند ارزیابی تحلیل مضمون عبارت‌اند از:

الف. استفاده از رمزگذاران مستقل: اعضای درون یا بیرون گروه پژوهش و آشنا با موضوع و روش تحلیل موضوع با هدف اجتناب از عدم عینیت تحلیل‌گر؛

ب. دریافت بازخورد: از پاسخ‌دهندگان درباره میزان همخوانی و تناسب میان تفاسیر تحلیل‌گر و تجربیات آنها؛

ج. به‌کارگیری تطابق همگونی: جمع‌آوری داده‌های مختلف یا بهره‌گیری از منابع مختلف به‌منظور مطالعه پدیده‌های خاص؛

د. عرضه توصیفی غنی و ثبت سوابق ممیزی: پژوهشگر کیفی باید شرح مفصلي از پدیده مورد مطالعه و بافت و زمینه آن عرضه کند تا مخاطب بتواند درباره همخوانی تفسیر و تحلیل پژوهشگر از داده‌ها با آنچه در متن داده‌هاست قضاوت کند. توصیف غنی به خواننده کمک می‌کند تا نحوه دستیابی پژوهشگر از داده‌ها به نتایج را به‌خوبی بفهمد (King & Horrocks, 2010, p164).

براون و کلارک (۲۰۰۶) نیز معیارهایی را برای ارزیابی پژوهش‌های مبتنی بر تحلیل مضمون شناسایی و معرفی کرده‌اند که متناسب با مراحل انجام تحلیل مضمون تنظیم شده‌اند:

یک. مرحله توصیف: آیا داده‌ها در سطحی مناسب از تفصیل و دقت توصیف شده‌اند؟

دو. مرحله رمزگذاری: آیا در فرایند رمزگذاری به همه انواع داده‌ها توجه یکسانی شده است؟ آیا مضامین از تعداد اندکی داده شکل گرفته‌اند یا طی فرایند رمزگذاری کامل، جامع و فراگیر به دست آمده‌اند؟ آیا همه داده‌های مستخرج مرتبط با هر مضمون، جمع‌آوری شده‌اند؟ آیا مضامین با یکدیگر مقایسه شده و مجموعه داده‌های اصلی آنها را حمایت می‌کند؟ آیا مضامین دارای انسجام، همخوانی و تمایز درونی هستند؟

سه. مرحله تحلیل: آیا داده‌ها به جای اینکه صرفاً توصیف یا تشریح شوند، تحلیل و تفسیر و تعبیر شده‌اند؟ آیا تحلیل‌ها و داده‌ها با یکدیگر همخوانی دارند؟ آیا تحلیل، حکایتی متقاعدکننده و به خوبی سازماندهی شده درباره داده‌ها و موضوع پژوهش است؟ آیا تعادل خوبی میان نوشته‌های تحلیلی و داده‌های مستخرج برقرار است؟

چهار. مرحله نوشتن گزارش: آیا مفروضات و رویکرد خاص تحلیل مضمون به طور آشکار تبیین شده است؟ آیا میان ادعای پژوهشگر با آنچه تحلیل‌ها نشان می‌دهد، تناسب خوبی وجود دارد؟ آیا روش تحلیل معرفی شده با تحلیل گزارش شده همخوانی دارد؟ آیا زبان و مفاهیم به کار گرفته شده در گزارش با جایگاه معرفت‌شناسی تحلیل همخوانی دارد؟ آیا پژوهشگر نقش فعالی در فرایند تحلیل ایفا می‌کند؟ آیا مضامین به‌خودی‌خود آشکار نمی‌شوند؟

پنج. تمام فرایند تحلیل: آیا زمان کافی برای تکمیل همه مراحل تحلیل اختصاص یافته و تحلیل‌ها بدون عجله تهیه شده‌اند؟ (Braun & Clarke, 2006, p36)

۸. نمونه‌ای از کاربرد روش «تحلیل مضمون» در تحقیقات علمی

در سال‌های اخیر، استفاده از روش «تحلیل مضمون» در تحقیقات علمی، به‌ویژه در حوزه علوم انسانی، افزایش یافته است. یکی از نمونه‌های کاربرد این روش، پژوهشی با عنوان «تحلیل و تبیین تربیت زیبایی‌شناختی بر اساس آیات قرآن کریم» است.

این پژوهش در زمره تحقیقات کیفی متنی قرار دارد و محیط پژوهش، کلیه آیات قرآن کریم است. آیاتی که حاوی واژگان مرتبط با مفهوم «زیبایی» و عناصر مرتبط با تربیت زیبایی‌شناختی هستند، به روش «نمونه‌گیری هدفمند» انتخاب شده‌اند.

مراحل اجرای روش «تحلیل مضمون» در این پژوهش به قرار ذیل است:

۸-۱. مراحل اجرا

۸-۱-۱. طرح مسئله، تبیین موضوع و آشناسدن با متن

درک کافی از موضوع و بررسی متون مرتبط؛ مکتوب کردن آیات مرتبط با تربیت زیبایی‌شناختی؛ مطالعه مقدماتی آیات قرآن کریم و نگارش انگاره‌های اولیه.

۲-۱-۸. ایجاد رمزهای اولیه و رمزگذاری

تهیه چارچوب رمزگذاری و قالب مضامین (شامل مضامین پایه واژگانی نظیر حسن، جمیل، نصرت، زینت، زخرف، حلیه، حبک، بهجت، تسویل، طیب، قدر، وزن، خیر، الوان، نور و تسویل)، مضامین سازمان‌دهنده (مبانی، اهداف، اصول و روش‌های تربیت زیبایی‌شناختی) و مضامین فراگیر (مؤلفه‌های تربیت زیبایی‌شناختی در قرآن کریم)؛ تفکیک داده‌های متنی (آیات قرآن) به بخش‌های کوچک‌تر (مانند عبارات‌ها و کلمات).

۳-۱-۸. جست‌وجو و شناخت مضامین و بررسی دلالت داده‌ها

تطبیق دادن رمزها با قالب مضامین؛ استخراج مضامین از بخش‌های رمزگذاری‌شده متن؛ بررسی و پالایش مضامین؛ تفکیک مضامین اصلی و فرعی.

برای مثال، محور و موضوع عبارت است از: ماهیت زیبایی بر اساس آیات قرآن کریم و مضامین اصلی عبارت‌اند از: واژه‌های اصلی در تعریف «ماهیت زیبایی» (مضامین فرعی: حسن، جمیل یا جمال، نصرت، زینت، زخرف، حلیه، حبک و بهجت)؛ مؤلفه‌ها و معیارهای زیبایی (مضامین فرعی: طیب، قدر، وزن، خیر، الوان و نور) و زیبایی غیرحقیقی (مضامین فرعی: تسویل).

۴-۱-۸. تحلیل داده‌ها از نظر سازگاری درونی و بیرونی

بررسی هماهنگی یافته‌ها با اصول تفسیری؛ استفاده از تفاسیر معتبر (نظیر تفسیر المیزان و تفسیر نمونه).

۵-۱-۸. ترسیم شبکه مضامین

بررسی همخوانی مضامین با رمزهای استخراج‌شده؛ مرتب‌سازی و انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر؛ اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین.

۶-۱-۸. تحلیل شبکه مضامین

تعریف و نام‌گذاری مضامین؛ توصیف شبکه مضامین و بررسی ارتباط میان آنها.

۷-۱-۸. ارائه گزارش و نتیجه‌گیری نهایی

تلخیص شبکه مضامین و ارائه نتایج به‌صورت جدول، ماتریس و متن تحلیلی؛ مرتبط کردن تحلیل‌ها با سؤالات پژوهش و مبانی نظری.

۹. ابزارهای اجرای روش تحلیل مضمون

برای اجرای روش «تحلیل مضمون»، پژوهشگران می‌توانند از نرم‌افزارهای تحلیل محتوای کیفی استفاده کنند. برخی از نرم‌افزارهای کاربردی در این زمینه عبارت‌اند از:

- اطلس تی‌آی (Atlas.ti)؛

- مکس کیودا (Maxqda)؛

نرم‌افزارهای پژوهشی عمدتاً در سازماندهی و بازیابی داده‌ها پژوهشگر را یاری می‌کنند، اما از لحاظ تحلیل محتوایی معنا و مفاهیم توان محدودی دارند. استفاده از این نرم‌افزارها به پژوهشگر امکان می‌دهد تا به‌صورت کارآمد با مضامین پیچیده و حجم زیادی از داده‌های رمزگذاری‌شده کار کند.

این نرم‌افزارها قابلیت‌هایی همچون تولید جدول، ارائه طرح‌های گرافیکی و مدیریت تارنما در اختیار پژوهشگر قرار داده، امکان تحلیل مضامین موجود در متن را فراهم می‌کنند. ازجمله نرم‌افزارهای پرکاربرد در این حوزه می‌توان به «ان‌ویوو» و «اطلس تی‌آی» اشاره کرد. هر یک از این ابزارها، امکانات و ابزارهای متنوعی را ارائه می‌دهند، ازجمله:

- رمزگذاری متن و تخصیص رمزها به مضامین؛

- ایجاد ارتباط میان یادداشت‌های پژوهشگر و رمزهای تخصیص‌یافته؛

- امکان جست‌وجوی پیشرفته و بازخوانی داده‌های رمزگذاری‌شده.

نرم‌افزار «ان‌ویوو» امکان تحلیل‌های گوناگونی را فراهم می‌سازد؛ مانند ترسیم شبکه‌ی مضمون‌ها، تحلیل روابط میان مضمون‌ها، شمارش و تلخیص داده‌های کیفی، تهیه‌ی جدول‌های توافقی و شناسایی و تحلیل رمزهای مشترک میان مضمون‌ها.

در مقابل، «اطلس تی‌آی» محیط کاربری ساده‌تری دارد و تحلیل داده‌ها را بدون فدا کردن انعطاف‌پذیری تسهیل می‌کند. این نرم‌افزار پژوهشگر را قادر می‌سازد تا بر جنبه‌های خلاقانه‌تر تحلیل تمرکز کند. هدف اصلی طراحی «اطلس تی‌آی» ایجاد ابزاری است که مفسران را در دستیابی مؤثر به منابع پژوهشی، یادداشت‌ها و نظریه‌های مرتبط یاری کند.

با این حال، اطلس تی‌آی صرفاً یک ابزار کمکی است و وظایفی نظیر تفکر، قضاوت، تصمیم‌گیری و تفسیر داده‌ها همچنان بر عهده پژوهشگر باقی می‌ماند. رایانه نمی‌تواند تصمیمات مفهومی اتخاذ کند (مانند تعیین کلمات یا موضوعات محوری پژوهش و انتخاب گام‌های بعدی تحلیل) و این وظایف تحلیلی همچنان به عهده پژوهشگر است.

۱۰. معایب و مزایای روش «تحلیل مضمون»

«تحلیل مضمون» مانند سایر روش‌های پژوهش، دارای جنبه‌های مثبت و منفی است که باید در کاربرد این روش مد نظر قرار گیرد. از ویژگی‌های تحلیل مضمون می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- این روش مضامین را مستقیماً از منابع استخراج می‌کند، ولی از یک الگوواره تعیین‌شده برای توسعه و گسترش مضامین استفاده نمی‌کند.

- مضامین را با توجه به طیف‌های مشخص تعریف می‌نماید.
- معمولاً چهار سطح از مضامین را استخراج می‌کند: سطح اسمی، سطح توصیفی، سطح مرکزی و سطح هسته‌ای.
- مضامین مرکزی و هسته‌ای بر اساس سطح انتزاعی تعیین می‌شوند، نه تناوب و تکرار آنها.
- تصویری پویا از چگونگی ایجاد مضامین در دوره‌های مختلف ارائه می‌دهد، نه تصویری ثابت از ایجاد مضامین در یک زمان مشخص.

این روش را می‌توان در طیف گسترده‌ای از شرایط انسانی به کار برد (کمالی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۳).
روش «تحلیل مضمون» مزایایی دارد؛ ازجمله:

- انعطاف‌پذیری در فرایند پژوهش؛
- یادگیری و اجرای نسبتاً آسان و سریع؛
- مناسب برای پژوهشگران تازه‌کار در حوزه تحقیقات کیفی؛
- ارائه نتایج قابل فهم و قابل استفاده برای عموم تحصیل‌کردگان؛
- مفید برای انجام تحقیقات مشارکتی با همکاران و شرکت‌کنندگان در پژوهش؛
- قابلیت تلخیص ویژگی‌های کلیدی متن یا ارائه توصیفی جامع از داده‌ها؛
- امکان برجسته کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در مجموعه داده‌ها؛
- قابلیت مطرح کردن انگاره‌های پیش‌بینی‌ناپذیر؛
- امکان ارائه تفسیر اجتماعی یا روان‌شناختی از داده‌ها؛
- مناسب برای تحلیل‌های کیفی در تدوین سیاست‌های کلان (Braun & Clarke, 2006).

با این حال، تحلیل مضمون خالی از محدودیت نیست. اگرچه انعطاف‌پذیری این روش، طیف وسیعی از ابزارها و تحلیل‌ها را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد، اما این انعطاف‌پذیری می‌تواند به یک چالش تبدیل شود؛ زیرا رهنمودهای مشخصی برای انجام تحلیل‌های سطح بالا ارائه نمی‌کند. بنابراین، پژوهشگر ممکن است ناگزیر شود شخصاً تصمیم بگیرد که بر مواردی در داده‌ها تمرکز کند (عابدی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳).

محدودیت‌های دیگر این روش در مقایسه با سایر روش‌های تحلیل کیفی آشکار می‌شود. برخلاف روش‌های روایت‌پژوهی یا شرح‌حال‌نویسی، پژوهشگر نمی‌تواند حالت تداوم و تناقض‌های موجود میان داده‌ها را به‌طور کامل حفظ کند. همچنین برخلاف روش‌های «تحلیل گفتمان» یا «تحلیل محتوا»، «تحلیل مضمون ساده» امکان بررسی زبان استفاده‌شده در متن را فراهم نمی‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

روش‌های کیفی در دهه گذشته در سراسر علوم اجتماعی از محبوبیت زیادی برخوردار شده‌اند و استفاده از این روش

تحقیق به سرعت در حال افزایش است. این رویکرد گامی مثبت در جهت درک عمیق‌تر رویدادها و پدیده‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

«تحلیل مضمون» یکی از شیوه‌های متداول تحلیل محتوا و روشی برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه است. پژوهش با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، به دو صورت «استقرایی» و «قیاسی» انجام می‌شود. در روش «استقرایی» یا مبتنی بر داده، مضامین شناخته‌شده ارتباط مستقیم و عمیقی با خود داده‌ها دارند. در روش «قیاسی»، تحلیل مضمون بر اساس علاقه نظری یا تحلیلی پژوهشگر به موضوع انجام می‌شود. در این رویکرد، پژوهشگر مضامین را در چارچوبی از پیش تعیین‌شده تحلیل می‌کند.

چون «تحلیل مضمون» روشی نظام‌مند برای استخراج الگوها از داده‌های متنی است، صاحب‌نظران دسته‌بندی‌های مختلفی برای مضامین ارائه کرده‌اند. این طبقه‌بندی‌ها شامل موارد ذیل هستند: جایگاه مضمون در شبکه مضامین؛ زمان شناخت مضمون؛ سلسله‌مراتب مضمون در قالب مضامین؛ قابلیت مشاهده مضمون در متن؛ منشأ شناسایی مضمون؛ تثبیت موقعیت مضمون؛ ماهیت مضمون در متن؛ نقش مضمون در تحلیل.

فرایند تحلیل مضمون و تحلیل شبکه مضامین شامل مراحل ذیل است:

مرحله اول. تجزیه و توصیف متن

- آشنا شدن با متن: درک کافی از موضوع؛ مکتوب کردن داده‌ها؛ مطالعه اولیه داده‌ها و نگارش انگاره‌های اولیه.
- ایجاد رمزهای اولیه و رمزگذاری: تهیه چارچوب رمزگذاری و قالب مضامین شامل مضامین پایه؛ مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر.

- تفکیک داده‌های متنی به بخش‌های کوچک‌تر: نظیر بند، عبارت و کلمات.

- جست‌وجو و شناخت مضامین: تطبیق دادن رمزها با قالب مضامین؛ استخراج مضامین از بخش‌های رمزگذاری‌شده متن؛ بررسی و پالایش مضامین؛ تفکیک مضامین اصلی و فرعی.

مرحله دوم. تشریح و تفسیر متن

- ترسیم شبکه مضامین: بررسی و پایش همخوانی مضامین با رمزهای مستخرج؛ مرتب کردن مضامین؛ انتخاب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر؛ ترسیم نقشه‌های مضامین؛ اصلاح و تأیید شبکه‌های مضامین.
- تحلیل شبکه مضامین: تعریف و نام‌گذاری مضامین؛ توصیف و توضیح شبکه مضامین.

مرحله سوم: ادغام و یکپارچه‌سازی متن و تدوین گزارش و یافته‌های تحقیق

- تلخیص شبکه مضامین و ارائه آن به صورت متن مشروح، ماتریس، جدول و شبکه مضامین؛
- مرتبط کردن نتایج تحلیل با سؤالات تحقیق و مبانی نظری؛ نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها.

«تحلیل مضمون» مانند سایر روش‌های پژوهش، دارای ویژگی‌های مثبت و منفی است. ازجمله ویژگی‌های مثبت تحلیل مضمون می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: انعطاف‌پذیری؛ یادگیری و اجرای نسبتاً آسان و سریع؛ قابل استفاده بودن برای پژوهشگران کم‌تجربه در تحقیقات کیفی؛ ارائه نتایج قابل فهم برای همه افراد تحصیل کرده؛ امکان انجام تحقیقات مشترک با همکاران و مشارکت‌کنندگان پژوهش؛ توانایی تلخیص مفید ویژگی‌های کلیدی متن با ارائه توصیفی جامع از مجموعه داده‌ها؛ برجسته‌سازی تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در داده‌ها؛ امکان مطرح شدن انگاره‌های پیش‌بینی‌ناپذیر؛ قابلیت تفسیر اجتماعی و روان‌شناختی از داده‌ها؛ روشی مناسب برای تحلیل‌های کیفی مرتبط با تدوین خط‌مشی.

با این حال، تحلیل مضمون چالش‌هایی نیز دارد؛ همچون: عدم ارائه رهنمودهای دقیق برای تحلیل‌های سطح بالاتر؛ محدودیت در بررسی تضادها و تناقض‌های موجود میان داده‌ها؛ نبود امکان تحلیل دقیق زبان استفاده‌شده در متن، برخلاف روش‌های «تحلیل محتوا» و «تحلیل گفتمان».

منابع

- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۶). *فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.
- خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۷). *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: نگاه دانش.
- عابدی، حسن و دیگران (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲(۵)، ۱۵۱-۱۹۸.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۴(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
- محسنی، علیرضا و سلیمی، علی (۱۳۹۱). تحلیل محتوای کیفی قیاسی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در علوم اجتماعی. *روش‌شناسی علوم انسانی*، ۱۸(۷۲)، ۱۳۵-۱۵۹.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: An analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. USA: Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- King, N. & Horrocks, C. (2010). *Interviews in qualitative research*. USA: Sage.
- King, N. (2004). *Template analysis*. in G. Symon and C. Cassell (eds.) *Essential Guide To Qualitative Methods In Organizational Research*. London: SAGE Publications.
- Lincoln, Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. USA: Sage.
- Parker, L. D. & Roffey, B. H. (1997). Methodological theme: Back to the drawing board—Revisiting grounded theory and everyday accountants' and managers' reality. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 10(2), 212-247.
- Ryan, G & Bernard, H.R. (2000). *Data Management And Analysis Methods*. In N. K. Richards, L. (2008). *Teach yourself NVivo 8: Tutorial by Lyn Richards*. Retrieved from www.lynrichards.org.
- Ryan, B. H. (2000). Data management and analysis methods. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (2nd Ed.), 769-802.
- Smith, C. P. (1992). *Motivation and personality: Handbook of thematic content analysis*. Cambridge: Cambridge University Press.